

سرخوشان عشق

نویسنده: عبدالرحیم ظریف

انتشارات نوید شیراز

سرشناسه : نظری، عبدالرحیم، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور : سرخوشان عشق / نویسنده عبدالرحیم نظری.
مشخصات نشر : شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری : ۱۲۵ ص. : جدول.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۵۶-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : کتابنامه : ص. ۱۲۵.
موضوع : بهشت (اسلام)
موضوع : بهشت (اسلام) --- جنبه‌های قرآنی
رده بندی کتب : ۱۳۹۴ س ۴ عن ۲۲۲/۶۵ PB
رده بندی یوبی : ۲۹۷/۴۴
شماره کتابت سی لی : ۴۰۶۰۶۸۹



سرخوشان عشق

نویسنده: عبدالرحیم نظری

صفحه آرایی: نجمه اسکندری □ طرح جلد: کانون آگهی و تبلیغات سی راه
لیتوگرافی و چاپ: واصف □ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد □ چاپ اول: ۱۳۹۵ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۳۲۲۲۶۶۶۱-۳۲۲۲۹۶۷۶ نمابر

دفتر تهران- تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰-۸۸۹۲۱۵۲۲ نمابر

پست الکترونیکی: Navideshiraz.Pub@Gmail.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۵۶-۶ ISBN: 978-600-192-556-6

۷۰۰۰ تومان

ان الايرار يشربون من كاسي كان مزاجها كافورا

همانا نيكان همواره شرابی می نوشند که طعم و بوی آن معطر و خنک کننده و سفید مثل کافور است.

الانسان ۵

و دحون فيها كاسا كان مزاجها زنجيلا

و به آنها نوشاند شرابی که طعمش چون زنجبیل گرم و عطر آگین است

الانسان ۱۷

الحمد لله الذي الفران على يده ليكون للعالمين نذيرا و الصلاة

على من جعله شاهداً ومبشراً و يدي و داعي إلى الله بأذنه و سراجاً منيراً

و على الله الذين اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً

سپاس خداوندی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد و درود و سپاس بر رسولش که او را گواه و بشارت دهنده و انداز کننده و دعوت کننده به سوی خدا و چراغی روشنی بخشنده قرار داد.

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه
۲۱.....	فصل اول
۲۳.....	مناظره پروردگار و شیطان بر سر خلقت انسان
۳۷.....	فصل دوم
۳۹.....	بهشت چرا و چگونه؟
۵۰.....	السابقون السابقون (گروه اول بهشتی)
۵۱.....	گروه دوم بهشتی (اصحاب یمین)
۷۷.....	فصل سوم
۷۹.....	اگر بهشت نبود
۱۰۵.....	فصل چهارم
۱۰۷.....	بهشتیان چه کسانی هستند؟
۱۲۵.....	منابع و مآخذ

روزی نگر که ضعیفی جانم به هوای لبست

بر بوی پسته آمد و بر شکر افتاد
 بعد از چاپ و انتشار کتاب عابران خاک از همین قلم نظرات متفاوتی
 از طرف دوستان و خوانندگان برار شد و هر کس به وسعت لطف و کرمش
 ما را مورد عنایت خود رساندند، در این میان عده‌ای با تشکر از
 موشکافی‌ها و پرداختن به جزئیات مطالب ما را به ادامه راه امیدوار کردند.
 عده‌ای خواهان مطالب جدید و بشارت‌ها، بودند و گروهی هم به نوعی
 مطالب کتاب را یاس آور می‌دانستند. ما برای همه مخصوصاً گروه سوم
 توضیح می‌دهیم که این کتاب‌ها تجزیه و تحلیل و امر به مسائل کلی قرآن
 است و قرآن پیام بشیراً و نذیر است هم بشارت می‌دهد از بذات عینی،
 حقیقی، واقعی، بی‌شمار و خارج از تصور انسان که در انتظار ایمان
 آورندگان به پیام معبود خویشند و هم می‌ترساند از خطرات واقعی، هول
 انگیز و غیر قابل جبران که در سر راه ناباوران به پیام الهی است، چنانچه
 شما هم می‌خوانید خداوند می‌فرماید: ما شما را از عذابی که نزدیک است
 می‌ترسانیم و هشدار می‌دهیم. روزی که انسان آنچه را از خیر و شر پیش

فرستاده ببینند.^۱

در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است اگر شما هم می‌دانستید آنچه را من می‌دانم کم می‌خندید و بسیار گریه می‌کردید که این مطلب حکایت از سختی‌ها و هول و هراس مسیر و سفر بی‌بازگشت انسان دارد. و چنانچه در کتاب قبلی هم گفتیم قرآن پیامی است برای وادار کردن کل بشریت به تفکر در باب هستی و آفریننده آن و پیام هدایت خداوند است برای تکامل و سعادت بشر تا به مقصد- نهایی رهنمون گردد و به دور از رنج و ملال دنیوی و محنت‌های آن در جوار قرب الهی بیاساید و از غمشها و نعمات بی‌شمار و خیره‌کننده پروردگارش لذت ببرد و در ادامه یاد آور می‌شویم که واقعیت و حقیقت تلخ و شیرین دارد و کتمان حقایق برای خوشایند گرایی نه تنها صوابی برای نویسنده و خواننده ندارد بلکه گناه بزرگی است که به تبع آن من است باعث انحرافات و برداشت‌های اشتباه از دین، انسان، معاد و خداوند^۲ در دادر و عهدهای دروغین روزی امیدواران را هم ناامید خواهد کرد. بدیهی است برای اهل شناخت، اهل علم و اندیشه و تفکرات عمیق و اصولی و برای آنان که به سزاوار بودن پروردگارشان برای کرنش، عبادت و تعظیم در برابر ذات مقدس او اعتقاد راسخ دارند هیچ سخنی سخت و سنگین و یأس‌آور نیست. یأس در وجود کافران و منکران روز قیامت و روز حساب کتاب و نامه اعمال است و این منکران روز قیامت هستند که عذاب را به طالت گذارند و باید مایوس باشند و قرآن بارها از جمله ویل یومئذ للمکذبین^۳ وای بر حال تکذیب‌کنندگان قیامت) استفاده کرده و یا می‌فرماید: ای پیامبر تو دیفر مکذبان قرآن را به من واگذار که ما آنها را از آنجایی که فهم نکنند و گمان کنند نعمت است به عذاب سخت مجازات کنیم.^۴

گذشته از این موضوع یأس و امید هم بستگی به نوع تفکر و عملکرد ما دارد

ضمن اینکه یاس به خودی خود وجود ندارد و هر جا که ایمان رنگ باخته و ضعیف شده یاس پدید آمده، مثل تاریکی که به خودی خود وجود مستقل ندارد و هر جا انرژی نور نباشد پدید می‌آید. اما قرآن جز امید بشارت و عبرت نمی‌دهد. و برای درک و فهم بسیار آسان نگاشته است.

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان گرفتیم آیا پند گیرنده‌ای هست.^۲

اما قرآن همین نامه هدایت همین پیام سعادت پس از ۱۴۰۰ سال هنوز هم غریب و مهجور است چنانچه پیامبر هم از این غریب بودن قرآن در بین امت خود سکه‌ها دارد و به دلیل ناشناخته ماندن آن متأسف است. (در آن روز رسول به شکوه از امت خود در پیشگاه پروردگار عرض می‌کند: بارالها تو آگاهی که امت من این قرآن بزرگ را به کلی متروک و رها کردند)^۳

به راستی اگر از شناختن خود و به دستورات آن عمل گردد همه مشکلات جامعه را می‌توان با نسجه‌های اسامانی و شفا بخش آن حل کرد مشکلات اقتصادی، اجتماعی، روحی روانی، ریستی، بهداشتی، اخلاقی و.....

و به راستی آیا می‌دانیم قرآن هیچ ادبی را در زندگی انسان فرو نگذاشته و برای کلیه شئون زندگی دستور خاص دارد و عمل به آن بهترین و راحت‌ترین زندگی را برای انسان فراهم می‌آورد. به درستی این قرآن را اسلام و دین نیستند که چیزی را برای سعادت انسان فراموش کرده باشند. و بهیچ‌وجهی مختلف زندگی انسان را نشناخته باشند یا برای رفع نیازهای روزمره بسنجی نداشته باشند بلکه این ما هستیم که مسلمان واقعی نیستیم، متنگ نیستیم و شعارهایمان بیشتر از عملهاست و این فاجعه‌ای بزرگ است که امروزه استفاده‌های ابزاری از قرآن بیشتر از استفاده‌های کاربردی و راهبردی آن است. قرآن کتابی مرجع برای رهایی بشر از فساد و تباهی و ظلمات است مرجع تمام علوم از جمله فیزیک، شیمی، نجوم، روانشناسی و علوم هسته‌ای.... است.

ما بر مردمان کتابی فرستادیم که در آن هر چیز بر اساس علم و دانش به تفصیل بیان گردیده برای هدایت آنان که ایمان می‌آورند.^۵

این است که می‌گوییم قرآن امید است برای ترقی، پیشرفت و هدایت است برای جستجوی سعادت و هدف اصلی از نگارش چنین کتابهایی کاستن از مہجوریت قرآن و همچنین اعلام اینکه پاسخ همه نیازهای بشری در قرآن وجود دارد. همچنین وارد کردن هرچه بیشتر قرآن بصورت عملی در زندگی امروزی و ششمنی است. تأسف آور است اینکه مردم سوال می‌کنند مگر قرآن مثلاً در مورد تجارت، علم، پزشکی، ریاضی و اتم و... هم مطلبی دارد. ما می‌گوییم بلی اگر اهل جستجو و تفکر محقق باشید.

و این قرآن کتاب است با رحمت و خیر بسیار که فرستادیم از آن پیروی کنید تا از پرهیزکاران باشید و همواره رحمت خداوند قرار گیرید.^۶

اما این بنده حقیر که هدایت را آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان عزیز با مطالب و موضوعات و حقایق قرآن قرار داده بودم راهی بجز بیان حقیقت بدور از هرگونه تحریف و تفسیر اضافی نمی‌دیدم. این قول را به خوانندگان محترم دادیم که در این کتاب یعنی سرخوشان عشق از جنبه‌های قرآن و مرده‌های همه پسند آن نظری گذرا داشته باشیم و از لذات بهشتی عشق و واقعی، شادیهای بی‌پایان، زندگی سراسر تفریح و تفرج و آسایش و آرامش بدی آن در حدود بضاعت علمی، فکری و مطالعات تجربی خود به وسع دانش و بقدر مقدار دور از هرگونه اصطلاحات زبانهای بیگانه و لغات نا آشنای فلسفی و عرفانی و به ساده ترین صورت ممکن تحلیلی توصیفی داشته باشیم و از تفسیر به رای بیرهیزیم تا آنان که کمتر با حقایق قرآنی آشنایی دارند فکر نکنند خداوند در قرآن بیشتر از عذاب و شکنجه، سختگیری آزار و اذیت و آتش و سوزاندن سخن می‌گوید خیر این گونه نیست خداوند انسان را برای سوزاندن خلق نکرد و کار خداوند بجز از

روی حکمت، مصلحت، هنر، زیبایی، علم، پاکی، روشنائی و بخشش نیست، عدم سازش و سوختن مخصوص کسانی است که علی رغم اتمام حجت و بیان برهان و استدلال منطقی و دیدن حقایق باز تکذیب می کنند. وجود مقدس پروردگار، رسالت پیامبران و معاد جسمانی و روحانی انسان را و به علت لجاجت و جهالت و عدم توانایی دریافت صحیح مسائل و درک پایین و ماده پرستی و عشق به دنیای مادیات دارای قلبی سخت تر از سنگ هستند و هدایت آنان ممکن نیست یعنی خواهان هدایت نیستند و مصداق آیه (صَمُّ بَكْمُ عَمٰی فَهَمُ لَا یَرْجِعُونَ) هستند.^۷

یعنی آنها کر کور و ناشنوا هستند و امیدی به بازگشت آنها به صراط مستقیم نیست و به قرآن نیز این گروه که هدایت آنها ممکن نیست برای جهنم و اگذار شده اند.

عده ای از جن (انسر) را برای جهنم و اگذار کرده ایم زیرا آنان را دل‌هایی است بی نور و معرفت و چشم‌های ناشنوا و گوش‌هایی ناشنوا و بدتر از چهارپایانند.^۸

و یا در مورد آنان باز خداوند می فرماید اگر فرشتگان فرستیم و مردگان زنده کنیم باز ایمان نخواهند آورد و این گروه را برای سوختن به نام جهنم دارند.^۹

گفتیم که هدف خداوند ساختن و سوختن نیست و قرآن بیشتر از لذات واقعی، عمر جاوید زندگی سراسر آرامش در عین عافیت و سلامت به دور از هرگونه رنج و ملال سخن می گوید لذاتی که وصفش نه با زبان و قلم بلکه با احساس و تخیل آدم خاکی تا در این دنیاست نمی گنجد و آنچه خداوند بصورت کلی بیان فرموده تنها یاد آور گوشه ای از لذت هاست برای آنانکه آخرت را باور دارند و زندگی اصلی و حقیقی را آنجا جستجو می کنند.

قطعا هیچکس نمی داند چه نعمت هایی که مایه خوشحالی مومنین است به پاداش اعمال خیری که همواره انجام می دهند برای آنان ذخیره شده است.^{۱۰}

در نتیجه این ما انسانها هستیم که باید آنقدر خوب و عمیق فکر کنیم تا

خوبیها را ببینیم، لذات را حس کنیم و بشناسیم و معانی و مفاهیم را نه در قالب کلمات و جملات بلکه با ادراک و احساس و ژرف نگری ببینیم و بی شک این خود ما هستیم که با نوع نگاه، طرز تفکر، روش انتخاب و نگرش اصولی و عملی به پدیده‌ها و ارتباطات زنجیره‌ای آنها راه را انتخاب می‌کنیم راه درست، راه انسانیت و عقلانیت را که بی شک راه مستقیم یکی است و هدف هم یکی و بیراهه هزاران و در راه انسان خدا می‌فرماید و براین گفته هم تاکید دارد که اکثر انسانها نادانند. بنابراین همیشه در مسیر زندگی و انتخاب دو راهی و چند راهی وجود دارد و ما مختاریم که کدام را برگزینیم راه فردوس برین و راه جنات تجری من تحت الانهار، شراً ما یوروا، قره‌الی الله و همنشین با حوران بهشتی را و یا هم راه شقاوت و جهالت، راه امرا، راه حسرت بی پایان و دوزخ را و به یقین سعادت برای انسان میسر نخواهد شد. برپناه آوردن به آیات روشن، قاطع و عملی قرآن و عمل به دستورات آن که که لایزال و راهی بشر به مقتضای همه دوران پس از زمان نزول آن است. اما چنانچه از حد گذشت گفتیم این است که اگر بتوانیم کسی را با آیات قرآن متذکر سازیم اما نه با تفریب و نه با آشنای کردن و آگاهی دادن و ارجاع به وعده‌های شیرین قرآن و این تذکره به حق دادن بسوی قرآن همان است که خداوند از پیامبرش می‌خواهد آن کسی که از عذاب قیامت ترسان است با آیات قرآن متذکر سازد.^{۱۱}

و در آیه دیگری می‌فرماید: ای پیامبر وظیفه تو جز تذکر دادن و هشدار نیست.^{۱۲}

و در آیات دیگری خداوند از پیامبرش می‌خواهد که مومنان را بشارت دهد به رحمت خداوند و بهشت و آمرزش گناهان بعد از توبه. ولی امروزه که پیامبری در میان ما نیست و زمان نیاز آن به سر آمده و راه مستقیم و انحراف برای همگان روشن شده چگونه باید مردم را با آیات قرآن متذکر ساخت؟ و این وظیفه ماست

تا در نشر آیات قرآن بکوشیم و از افراطی گری که آفت دین است و نسبت دادن های بی‌روا بهره‌یزیم و خرافات بجا مانده از اعصار گذشته را با قرآن مخلوط ننماییم و شک نداشته باشیم که شهر آرمانی، مدینه فاضله، نظم نوین جهانی میسر نخواهد شد جز با رعایت اصول قرآن و عمل به دستورات آن و این اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه همه و یا اکثریت افراد جامعه خود را ملزم به رعایت این اصول و احکام بدانند.

با نهایت تأسف باید گفت امروزه از قرآن که کلام آفریدگار و نسخه نجات دهنده انسان از گمراهی و تباهی است و همچنین راهنمای بشر بسوی کمال و سعادت است استفاده عملی و کاربردی کمتر از حد مورد انتظار خداوند و پیامبرش است و به حد پیامبر حق دارد از مهجوریت قرآن در بین امت خود گله مند باشد و این روند که قرآن همه جا در دسترس باشد ولی استفاده های عملی در جامعه از آن صورت نگیرد کران کننده است آن هم در کشوری که خود را بر چمدان اسلام و ولایت معرفی می کنند و همین گونه بود که دکتر علی شریعتی هم در زمان خود از این وضعیت ناراضی بود و فریاد شرمندگی سر می داد که:

قرآن من شرمنده توام اگر از تو آواز سرگی ساخت ام که هر وقت در کوچه مان آوازت بلند می شود همه از هم می پرسند چه کسی مانده است.

قرآن من شرمنده ام اگر تو را از یک نسخه عملی یک اسانه موزه نشین مبدل کرده ام.

یکی ذوق می کند که تو را بر روی فلز نوشته، یکی ذوق می کند که تو را بر فرش کرده، یکی ذوق می کند که تو را با طلا نوشته.

آیا خدا تو را فرستاده تا موزه سازی کنیم؟ قرآن من شرمنده ام که تو به ابزار مسابقه نفس مبدل شده ای.

قرآن من شرمنده ام که به یک فستیوال مبدل شده ای حفظ کردن تو با

شماره صفحه و خواندن از آخر به اول یک معرفت است یا یک رکورد گیری. هرچند از زمان جناب شریعتی تا زمان ما تفاوت‌های زیادی در این زمینه وجود دارد و پیشرفت‌هایی داشته ایم اما این کافی نیست و جامعه نیاز به صوت و لحن ندارد و غنا دادن و خواندن قرآن با آواز امر مهمی نیست و باید با عمل به دستورات قرآن جامعه را قرآنی کرد. عمل به قرآن است که دستور خداوند و پناه راست و سعادت بشر را در پی دارد و گرنه صوت ما در خواندن قرآن مهم نیست و این ممکن است عمل به قرآن را تحت شعاع خود قرار دهد و هرکس صوت خوبی داشته سد خود را قرآنی بداند پس آنچه مهم است وارد کردن عملی قرآن در همه امور زندگی، انتقال به نسل‌های آینده است. قرآن داروی شفا بخش کمبودها، غم‌ها و غمناکی‌ها و در پایداری و نبایدهاست و ما باید باور کنیم انتظار پروردگار از ما عمل و کردار است نه صوت، لحن و قواعد و برنده واقعی کسی است که عمل می‌کند.

از این قرآن هرکس شایسته فهم آن بود آخر رو گردان شد.^{۱۳}

و اینکه که سهم بسیار کوچکی از این رسالت است. بگین یعنی معرفی هرچه بیشتر قرآن و وارد نمودن آن در زندگی را ما به اندر برایش گوش گرفته ایم امید است با موفقیت به پایان ببریم که بی شک خداوند هیچ‌کس را بیش از توانایش تکلیف نخواهد کرد و در ادامه ذکر این مطلب ضروری است همان گونه که خوانندگان محترم اطلاع دارند سخن گفتن از بهشت، پرواز روح، یوم الحساب و زندگی جاوید مطالبی نیستند که از راه تجزیه و تجربه علمی و آزمون بتوان برای آنها نتیجه گیری کرد هرچند علم با همراهی عقل بر وجود این پدیده‌ها صحه می‌گذارد بلکه باید با تفکر عمیق، مطالعه در طبیعت، نگاه عقلانی به پدیده‌ها، گسترش اندیشه، از زاویه پرسش به مسائل نگاه کردن تدبیر در آیات قرآن و آیات عینی بی‌شماری که در پیرامون ما وجود دارد و گشودن چشم بصیرت به روی

حقیقت موجود به باور یقین رسیده و گرنه با توجیهات کلامی و زبانی صرفاً کسی خود را هم نخواهد شناخت تا چه رسد به خدای خویش، هر چند توجیهات منطقی و عملی باشد یعنی این روش در این زمان کارساز نیست. پس نگاه عمیق به عمق وجود و پدیده هاست که می‌تواند درک ما را از دایره ذهن فراتر ببرد و ما را برای رسیدن به جواب وادار به سوال کردن از خود کند و آنچه حاصل می‌شود به دیگران با ذکر دلایل انتقال یابد و این یعنی خودشناسی و خداشناسی و رسیدن به جوابی برای سوالات بی‌شمار در ذهن و در نتیجه جلوگیری از هدر رفتن چند سیلیارد ثانیه عمر.

قدرت وقت از دست نماند دل و کساری نکند

بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم
 بنا بر آنچه گفته شد مشاهده می‌شود علی‌رغم وجود کتابهای متعدد در این زمینه اثر آنها لحظه‌ای نگذراست و باید دنبال راهی گشت تا جوینده خود پیدا کند این راه را با زندگی اصلی او سروکار دارد. آنچه با سعادت و خوشبختی او ارتباط دارد و آنچه را می‌جوید و نیاز اوست و پیشنهاد جستجوی متفکرانه بر پایه علم، تدبیر و حکمت و مصلحت خداوند از اهداف اصلی کتابهایی است که به دست نقیر نوشته می‌شود بدیهی است رسالت ما زمانی به سرانجام مطلوب می‌رسد که خوانندگان محترم بپذیرند و در افکار و نگرش خود در همه موضوعات تجدید نظر نمایند و تصمیم خود را برای بازگشت از راهی که اگر احیاناً اشتباه است بگیرند و برای زندگی اصلی، حقیقی و جاوید خود و رسیدن به این زندگی صالحات با قیات ذخیره نمایند.

امید فراوان داریم که این مهم درخور درک و معرفت بالای خوانندگان محترم باشد و ما را از دعای خیر خود بی‌بهره نگذارند.